



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) ▶ درس خارج اصول ▶ مباحث الفاظ ▶
تقریر مباحث الفاظ (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-الفاظ/مبحث-الفاظ) ▶ مطلب دوم: ظهور ماده و صیغه نهی در تحریم

مطلب دوم: ظهور ماده و صیغه نهی در تحریم

مطلب دوم: ظهور ماده و صیغه نهی در تحریم

ماده و صیغه نهی بدون قرینه دلالت و ظهور دارد در تحریم و زجر شدید لکن در کیفیت این دلالت اختلاف است، چنانکه در کیفیت دلالت صیغه امر بر طلب وجوبی اختلاف بود، همان مبانی و اختلافات دقیقاً اینجا هم وجود دارد لذا در مبحث نواهی بسیار گذرا به این بحث پرداخته شده است. بسیار مختصر به بعض مبانی اشاره می‌کنیم:

مبنای اول: این ظهور به حکم عقل است.

جمعی مانند محقق نائینی و محقق خوئی می‌فرمایند ظهور صیغه امر در وجوب و صیغه نهی در حرمت به حکم عقل است نه به دلالت وضعیه و نه به اطلاق و مقدمات حکمت و نه به سیره عقلا. می‌فرمایند وقتی امر و نهی از مولا صادر می‌شود مقتضای عبودیت به حکم عقل این است که امر و نهی مولا امتثال شود و اگر مخالفت شد، انسان استحقاق عقاب دارد.

عرض می‌کنیم: پاسخ دادیم که قبول داریم عقل عملی حکم می‌کند اطاعت مولا بر عبد ضروری است زیرا اطاعت مولا عدل و معصیت مولا قبیح و ظلم است، لکن ظلم وقتی محقق می‌شود که معصیت صدق کند. اگر از خارج ما دلیلی داشتیم که این امر و نهی مولا امر و نهی الزامی است مخالفت کردیم می‌شود معصیت و ظلم اما اگر شک داشتیم امر و نهی مولا الزامی است یا نه عقل چگونه حکم کند معصیت محقق شده است (ظلم کرده‌ای و باید امتثال کنی). به عبارت دیگر بعد از اینکه می‌دانیم مولا در انشاء امر و نهی ممکن است اراده حتمیه داشته باشد و ممکن است اراده حتمیه نداشته باشد مانند اوامر استحبابیه یا نواهی کراهتیه. اگر از خارج دلیل نداشتیم که این انشاء مولا ناشی از اراده حتمیه است عقل به مجرد انشاء حکم به لزوم امتثال نمی‌کند. لذا دلیل محقق نائینی قاصر است.

مبنای دوم: این ظهور به مقدمات حکمت است

جمعی مانند محقق عراقی قائل‌اند صیغه امر و نهی به اطلاق و مقدمات حکمت دلالت می‌کند بر بعث لزومی و زجر لزومی. تحریم و وجوب، چند بیان داشتند که خلاصه بیان مهمشان این است که می‌فرمایند از جهتی. زجر دو مرتبه دارد مرتبه شدیدتر اش امر زائدی جز ماهیتش نیست اما زجر ضعیف یعنی با عدم مرتبه کامله یعنی با اجازه در ارتکاب. پس زجر مانند بعث حقیقت مشکک است نه متواطی. مرتبه شدید عین ذات خودش هست بنابراین اگر مولا مرتبه ضعیف را اراده کرد باید قرینه اقامه کند و بفرماید نهی‌تک لکن انت مرخص. اما مرتبه شدید چون عین ذات زجر است احتیاج به قرینه ندارد. لذا اگر مولا ماده یا صیغه نهی را بکار برد و قرینه بر ترخیص نیارود در مقام بیان هم بوده می‌گوییم حتماً مراد مولا مرتبه شدید بوده است. لذا هر جا قرینه بر ترخیص نداشتیم اطلاق و مقدمات حکمت می‌گوید مقصود از نهی مرتبه شدید است که همان تحریم باشد.

عرض می‌کنیم: حقیقت مشکک احتیاج به قرینه دارد

در مبحث اوامر به کلامشان دو اشکال وارد کردیم و اشکال مهم این بود که حقیقت مشکک مانند حقیقت متواطی، هر مرتبه و هر فردی از آن چه شدید و چه ضعیف احتیاج به اقامه قرینه دارد. مثال زدیم نور حقیقت مشکک است و مرتبه شدید و ضعیف دارد. اگر کسی کلمه نور را بکار برد چنانکه مرتبه ضعیفه اش احتیاج به قرینه دارد مرتبه شدیداش هم احتیاج به قرینه دارد و بدون قرینه حمل بر مرتبه شدید نمی شود بلکه حمل بر قدر مشترک می شود. اگر زجر و نهی به قول محقق عراقی چنین است که مرتبه ضعیف و شدید دارد و وضع در هیچکدام نشده اگر این کلمه استعمال شد چنانکه مرتبه ضعیفش احتیاج به قرینه دارد اراده مرتبه شدیدش هم نیاز به قرینه دارد.

مبنای سوم: این ظهور به حکم سیره عقلاء است.

مرحوم امام و استادنا المحقق [3] حفظه الله فرمودند صیغه امر و نهی به حکم سیره عقلائی و حجت عقلائی ظهور در وجوب و تحریم دارد. بناء عقلا قبل و بعد عصر تشریع بر این است که امر مولا را حمل بر بعث لزومی و نهی او را حمل بر زجر لزومی می کنند.

عرض می کنیم: سیره عقلاء تعبدی نیست

گفتیم خود این محققان می گویند سیره عقلا تعبدی نیست و احتیاج به ملاک دارد. سؤال این است که ملاک این برداشت عقلا چیست؟ یا وضع است یا حکم عقل است یا اطلاق و مقدمات حکمت است. و بدون اینها بناء عقلا تعبدی خواهد بود که معنا ندارد.

مبنای چهارم: این ظهور به وضع و تبادر اطرا دی است (مختار استاد)

ماده و صیغه امر و نهی بالوضع دال بر بعث لزومی و زجر لزومی هستند و دلیل ما تبادر اطرا دی است آنگاه که موارد استعمال امر و نهی در ادب عربی و کلام شارع مورد استقصاء قرار می گیرد تبادر اطرا دی به وضوح ثابت است و در علل حقیقت و مجاز اثبات کردیم تبادر اطرا دی علامت حقیقت است.

به نظر ما صیغه نهی بدون قرینه دلالت بر نسبت زجریه لزومیة دارد. دلیل هم وضع است و کاشف از وضع هم تبادر اطرا دی است.

[1]. جلسه چهارم، مسلسل 359، دوشنبه، 13.07.94.

[2]. منتقى الأصول، ج 3، ص 6: أَنَّ التَّكْلِيفَ أَعَمُّ مِنَ الْوُجُوبِ وَ التَّحْرِيمِ - عَلَى جَمِيعِ الْمَبْنِیِّ فِی حَقِیقَتِهِ - إِنَّمَا هُوَ لِجَعْلِ الدَّاعِی وَ لِلتَّحْرِیکِ نَحْوِ الْمُتَعَلِّقِ بِحِیْثُ یَصْدُرُ الْمُتَعَلِّقُ عَنْ إِرَادَةِ الْمُكَلَّفِ، وَ مِنَ الْوَاضِحِ أَنَّ مَا یَقْصَدُ إِعْمَالَ الْإِرَادَةِ فِیهِ فِی بَابِ النَّهْیِ هُوَ التَّرْکُ وَ عَدَمُ الْفِعْلِ وَ لَا نَظَرَ إِلَى إِعْمَالَ الْإِرَادَةِ فِی الْفِعْلِ کَمَا لَا یُخْفِی جَدًّا، وَ هَذَا یَقْتَضِی أَنْ یَكُونَ الْمَوْلَى فِی مَقَامِ تَحْرِیکِ الْمُكَلَّفِ نَحْوَ مَا یَتَعَلَّقُ بِهِ اخْتِیَارُهُ وَ هُوَ التَّرْکُ، وَ یَكُونُ فِی مَقَامِ جَعْلِ مَا یَكُونُ سَبَبًا لِإِعْمَالَ إِرَادَةِ الْمُكَلَّفِ فِی التَّرْکِ، فَوَاقِعُ النَّهْیِ لَیْسَ إِلَّا هَذَا الْمَعْنَى وَ هُوَ قَصْدُ الْمَوْلَى وَ إِرَادَتُهُ تَحْرِیکِ الْمُكَلَّفِ وَ إِعْمَالَ إِرَادَتِهِ فِی التَّرْکِ.

[3]. تحقیق الأصول، ج 2، ص 53.

بسم الله الرحمن الرحيم [1]

موضوع له ماده نهی تحریم است

ماده نهی به حکم تبادر اطرا دی وضع شده برای زجر شدید و بدون ترخیص. مراجعه به کلمات عربی و مخصوصا روایات حتی روایات صحیحه، نشان می دهد ماده نهی ینهی با همه صیغش ظهور در زجر تحریمی دارد. البته ممکن است ماده نهی با قرینه در زجر غیر تحریمی استفاده شود. به عنوان نمونه:

صحیحه عبد الرحمن بن أبی عبد الله، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال : نهی رسول الله (صلی الله علیه وآله) عن المحاقلة و المزابنة ، قلت : و ما هو ؟ قال : أن یشتري حمل النخل بالتمر ، و الزرع بالحنطة. [2]

یا می بینیم فقهاء کابرا بعد کابر برای عدم جواز و یا فساد بیع غرری به " نهی النبی عن الغرر یا نهی النبی عن بیع الغرر تمسک می کنند..

صحیحه محمد بن مسلم قالَ أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْئًا مِنْ كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا فِيهِ أَنَّكَمَ عَنِ الْجَرِّثِ وَ الزَّمِيرِ وَ الْمَارْمَاهِي وَ الطَّافِي وَ الطَّحَالِ. [4]

موثقه سكونى عن الصادق عليه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّكَمَ عَنِ الزَّفْنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَاتِ وَالْكَبَرَاتِ [5]

از همین موارد ممکن است باشد چنانکه مرحوم نراقی در مستند 18/160 توضیح میدهند وقتی ثابت شد ماده نهی دال بر زجر تحریمی است و روایات سکونی را هم که توثیق میکنیم لذا این آلات حرام خواهد بود.